



HomePage: https://jhistory.um.ac.ir/	Vol. 55, No. 2: Issue 111, Autumn & Winter 2023-2024, p.97-116	
Online ISSN: 2538-4341	Print ISSN: 2028-706x	
Receive Date: 09-04-2023	Revise Date: 13-09-2023	Accept Date: 25-09-2023
DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2023.81559.1215	Article type: Research Article	

**Economic Relations Between Persian Gulf
Countries and the Rasūlid Government in Yemen**

Dr. Hamid Asadpoor (Corresponding Author)

Assistant Professor, Persian Gulf University

Email: asadpour@pgu.ac.ir

Dr. Hosein Eskandary

PhD Graduate, History of Iran in Islamic Era, History Researcher

Abstract

The present research investigates trade relations between the Rasūlid government (govern. 626-858 A.H./1228-1454 A.D.) in Yemen and the Persian Gulf, and provides a historical overview of the Rasūlid's power and government. It seems that the study of relations between the Rasūlid government and Persian Gulf ports can open a new chapter in the historical studies of the Persian Gulf region. This is due to the commercial nature of their government and the reliance of Banī-Rasūl government on trade revenues on one hand, and the position of Persian Gulf in East-West trade on the other hand. The research findings indicate that the Rasūlid's government was a commercial state, where trade especially with the coasts and islands of Persian Gulf held particular importance. Persian Gulf was considered one of the most important destinations of international trade for the Rasūlids. The research employs library resources and investigates the topic using the descriptive-analytical method.

Keywords: Yemen, Persian Gulf, of Banī-Rasūl government, trade, commercial seafaring





سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۹۷ - ۱۱۶	HomePage: https://jhstory.um.ac.ir	
شاپا چاپی X ۷۰۶ - ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱ - ۲۵۳۸	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: https://doi.org/10.22067/jhstory.2023.81559.1215	

مناسبات اقتصادی بین خلیج فارس و دولت رسولیان در یمن

دکتر حمید اسدپور (نویسنده مسئول)

استادیار دانشگاه خلیج فارس

Email: asadpour@pgu.ac.ir

دکتر حسین اسکندری

دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی و پژوهشگر تاریخ

چکیده

این پژوهش به بررسی مناسبات تجاری بین دولت رسولیان (حک: ۶۲۶-۸۵۸ق) در یمن و خلیج فارس و همچنین بیان تاریخچه‌ای از قدرت و حکومت رسولیان پرداخته است. به نظر می‌رسد که به سبب ماهیت تجاری حکومت رسولیان و اتکای دولت بنی‌رسول به درآمدهای تجاری از یکسو و جایگاه خلیج فارس در تجارت بین شرق و غرب از سوی دیگر، بررسی مناسبات روابط بین دولت رسولیان و بنادر خلیج فارس می‌تواند فصل جدیدی در مطالعه تاریخ خلیج فارس بگشاید. یافته‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد که دولت رسولیان یک دولت تجاری بوده، بازرگانی در آن دولت به‌ویژه با کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و خلیج فارس یکی از مقصدهای مهم بازرگانی بین‌المللی برای رسولیان محسوب می‌شد. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: یمن، خلیج فارس، دولت بنی رسول، تجارت، دریانوردی تجاری.

مقدمه

خلیج فارس و یمن از گذشته‌های دور، همواره به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی به‌عنوان مراکز مهم و اساسی صادرات و واردات کالاها بوده‌اند. این موقعیت جغرافیایی سبب ارتباط گسترده بین دو سرزمین گردیده است. به‌رغم این پیشینه طولانی در روابط دو کشور، هم‌چنان زوایای پنهان و موضوعات ناگشوده‌ای در تاریخ این دو کشور وجود دارد. یکی از این ابعاد و موضوعات، پرداختن به مبحث بازرگانی و روابط تجاری دو کشور است که تاکنون مورد واکاوی قرار نگرفته است. هرچند مطالعات پراکنده و پژوهش‌های چندی انجام شده، اما جای یک پژوهش و مطالعه جدی و عمیق در این خصوص کاملاً خالی است. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در مورد یمن، مقاله «تجارت یمن در قلمرو رسولیان» است که در این پژوهش فقط به تجارت رسولیان با هند و مصر پرداخته شده و پژوهشی پیرامون تجارت بنی‌رسول با خلیج فارس انجام نشده است. باسورث نیز در اثر خود با عنوان سلسله‌های اسلامی راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، فقط به بیان تاریخ سیاسی سلسله رسولیان اشاره کرده و مطالبی پیرامون روابط اقتصادی رسولیان با خلیج فارس ارائه نداده است.

تاریخ پرفرازونشیب یمن، شاهد ظهور و سقوط حکومت‌های متعددی بوده است. یکی از این حکومت‌ها که بیش از دو قرن بر یمن حکومت داشته، حکومت رسولیان است. حکومت بنی‌رسول در یمن از برخی جهات، خاص و متمایز از دیگر حکومت‌ها است. یکی از ابعاد این تمایز، جایگاه تجارت و بازرگانی در این حکومت است. بخش مهمی از تجارت و اقتصاد یمن در عهد رسولیان شامل تجارت دریایی و ایفای نقش واسطه بین تجارت شرق و غرب بوده و با مناطقی همچون آفریقا، ایران، هند، چین، مالزی، اندونزی، کشمیر و مدیترانه دارای روابط گسترده تجاری بوده است.

این مقاله در پی کنکاش و مطالعه این مسئله است که مناسبات تجاری بین بنادر خلیج فارس و دولت رسولیان در یمن از چه شرایط و کیفیتی برخوردار بوده است. در واقع سؤال محوری این پژوهش این است که علت مناسبات تجاری بین خلیج فارس و دولت بنی رسول در یمن چیست؟ کیفیت و کمیت این مناسبات چگونه بوده و آیا مناسبات قابل توجه بوده است یا خیر؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که با توجه به ماهیت تجاری دولت رسولیان یمن از یک سو و نیاز این حکومت به درآمدهای تجاری مناسبات مستمری بین این دو ناحیه در عهد رسولیان وجود داشته است.

۱- برآمدن دولت رسولیان در یمن

رسولیان در یمن، بعد از حکومت و تسلط ابوبیان بر سر کار آمدند. سلاطین این خاندان هفده نفر بودند

که به مدت تقریباً دو بیست و بیست و پنج سال بر یمن حکومت نمودند. جد آن‌ها شخصی به نام محمد بن هارون بود که به‌عنوان رسول و فرستاده خلیفه عباسی به یمن آمده بود و علت نام‌گذاری این سلسله همان عنوان و مأموریت جد آن‌ها یعنی محمد بن هارون بوده که رسول و فرستاده خلیفه به شمار می‌رفت. اولاد محمد بن هارون که در یمن به حکومت رسیدند به رسولیان یا فرزندان رسول یعنی فرزندان محمد بن هارون شهرت یافتند. رسولیان مسلمانان اهل سنت بودند که از مذهب حنفی پیروی می‌کردند.

درباره اصل و نصب رسولیان سخن بسیار است ولی دو روایت مهم در این خصوص وجود دارد. روایت اول که منابع سنتی رسولیان بر آن تأکید دارند، این است که رسولیان عرب و منسوب به غسانیان بودند. روایت دوم اشاره دارد که خاندان رسولیان از ریشه و تبار ترکی برخوردارند و از جمله ترکمانان اغوز هستند. ادموند کلیفورد باسورث نیز بر این عقیده است. آنچه مسلم است اینکه در برابر آل رسول زبان و فرهنگ عربی رایج بوده و از لحاظ مذهبی آن‌ها بر سنت حنفی بوده‌اند.^۱

محمد بن هارون یا همان رسول در سال ۱۱۸۰م به‌عنوان سفیر المستنصر بالله خلیفه عباسی وارد یمن شد. پسر او یعنی علی حاکم مکه شد. نوه هارون یعنی فرزند علی به نام عمر بن علی به‌عنوان نخستین سلطان رسولی شناخته می‌شود. این عمر بن علی بن هارون موفق شد تا به‌جای آخرین امیر ایوبی یمنی یعنی الملک المسعود قدرت را در یمن به دست گرفته، به‌جای وی بر تخت حکومت بنشیند. عمر بن علی در سال ۶۳۰ق برابر با ۱۲۳۰م موفق شد از تأیید و حمایت خلیفه عباسی بغداد برخوردار شود و از همان سال خلیفه بغداد برای وی لوا و منشور فرستاد و بدین ترتیب حکومت رسولیان متولد شد.^۲

بعد از این تاریخ، عمر بن علی، لقب الملک المسعود را برای خود برگزید و به دنبال وی تمام سلاطین آل رسول برای خود القاب انتخاب کردند. همان‌گونه که امرای سامانی در ایران برای خود القابی چون رشید و عادل و سدید انتخاب کرده بودند، امرای رسولی یمن نیز القابی همچون منصور، مظفر و اشرف و الظاهر و النصیر برای خود انتخاب کردند.

۲- قلمرو و پایتخت‌های رسولیان در یمن

یمن در دوره حکومت ایوبیان تحت عنوان استان جنوبی شبه جزیره عربی نامیده شده، اداره می‌گردید. در عهد رسولیان، یمن به‌عنوان یک سرزمین مستقل و دولت قدرتمند پا به عرصه تاریخ نهاد و استقلال پیدا کرد. سرتاسر یمن امروزی، حضرموت و ظفار در نزدیکی عمان تحت اداره و کنترل رسولیان قرار داشت.

۱. باسورث، سلسله‌های اسلامی راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، ۱۲۵.

2. Varisco, "Texts and Pretexts: the Unity of the Rasulid State under al-Malik al-Muzaffar", 13.

مرزهای حکومت رسولیان از سواحل تهامه در کرانه‌های غربی یمن آغاز شده، تا باب المنذب در جنوب و سپس ظفار در شرق می‌رسید. یمن مرکزی و نواحی کوهستانی و داخلی آن نیز تحت سیطره رسولیان بود و حتی جزیره سوکوترا نیز تحت کنترل رسولیان قرار داشت.

نخستین پایتخت رسولیان در یمن شهر زبید (Zabid) بود. بعد از آن شهر تعز (Taizz) و سومین پایتخت آن‌ها شهر مشهور صنعا بوده است. شهر تاریخی زبید هم‌اکنون در جوار شهر فعلی زبید واقع است. بافت قدیم این شهر شامل بافت تاریخی و معماری سنتی زبید، استحکامات دفاعی و نظامی و قلعه‌های قدیمی است. شهر زبید از شهرهای واقع در تهامه و نزدیک به ساحل است که در غرب یمن قرار دارد. این شهر به شکل دایره‌ای ساخته شده و آب مورد نیاز آن از قنات‌ها و چشمه‌های فراوان آن تأمین می‌شود. زبید هم از گذشته و هم در حال حاضر دارای مدارس دینی و مساجد فراوان است. تصرف شهر زبید توسط الملک المنصور عمر صورت گرفت و سپس رسولیان موفق به فتح تعز و صنعا شدند که در کنترل امامان زیدی بود.^۳

امروزه هشتادوشش مسجد در شهر زبید واقع شده که چهارده مورد از این مساجد متعلق به دوره رسولیان است. فاصله شهر زبید با دریا حدود بیست و پنج کیلومتر است و بندر مشهور الحدیده که امروزه در ساحل دریای سرخ قرار دارد به این شهر نزدیک است. ابن بطوطه، آن را شهری بزرگ و ثروتمند و دارای باغات و خرماهای فراوان برشمرده است.^۴

تعز، دومین پایتخت رسولیان در یمن است که در ناحیه کوهستانی واقع شده و ارتفاع آن از دریا ۱۴۰۰ متر است و امروزه بعد از صنعا و عدن، سومین شهر بزرگ یمن به شمار می‌رود. این شهر هم به ساحل دریای سرخ راه دارد و بندر موخا به آن نزدیک است. ابن بطوطه از این شهر دیدن کرد و آن را شهری زیبا و گران توصیف کرده است. در عهد دومین سلطان رسولی یعنی المظفر این شهر به‌عنوان پایتخت رسولیان انتخاب شد.^۵

صنعا، سومین پایتخت دولت رسولیان در دل کوه‌های داخلی در یمن قرار دارد. با وجود انتخاب تعز و صنعا به‌عنوان پایتخت‌های بعدی دولت رسولیان، از توجه آن‌ها به شهر زبید کاسته نشد. صنعا به‌عنوان پایتخت جدید و نهایی البته که مورد توجه حاکمان رسولی قرار گرفت و امروزه آثار فراوانی از عهد رسولیان در شهر صنعا وجود دارد. این شهر از گذشته‌های دور دارای رونق فراوان بوده است. وجود ساختار

۳. باسورث، سلسله‌های اسلامی راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، ۱۲۵.

۴. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ۲۶۹/۱.

۵. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ۲۷۱/۱.

کشاورزی مناسب، همراه با بارندگی فراوان، رونق زیادی به این شهر بخشیده بود. صنعا، شهری زیبا با ساختمان‌های عظیمی که به‌طور عمده از آجر و گچ ساخته شده‌اند، توصیف شده است.^۶

۳- ساختار سیاسی و اقتصادی حکومت رسولی در یمن

سلاطین آل رسول حکومت متمرکز و قدرتمندی در یمن به وجود آوردند و یکی از دوره‌های درخشان تاریخ یمن را رقم زدند. این درخشندگی در حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ متجلی بود. دستگاه اداری و دیوان‌سالاری رسولیان بسیار دقیق و عالی تنظیم شده و از تقسیمات متعدد و خاصی برخوردار بوده است. در دیوان‌سالاری رسولیان، دیوان‌های متعددی که گاه تعداد آن‌ها به شش دیوان می‌رسید، به امر اداره کشور می‌پرداختند. در راس هر دیوان یک وزیر قرار داشت و سلطان در راس هرم واقع بود. سلطان از طریق نماینده عالی خود که صدراعظم یا وزیر اعظم نامیده می‌شد به کار وزیران نظارت می‌کرد.^۷ دیوان‌سالاری رسولیان دارای ریشه‌های تاریخی است که از چند جا سرچشمه می‌گرفت. نخست از دیوان‌سالاری سلاجقه تأثیر پذیرفته و سپس تحت تأثیر دیوان‌سالاری مصر بود و به عبارتی وارث آن بود. علاوه بر آن از دیوان‌سالاری عباسیان و فاطمیان نیز تأثیر پذیرفته بود و بدین ترتیب وارث دیوان‌سالاری‌های گذشته خود به شمار می‌رفت.^۸

برخی از مناصب مهم در حکومت رسولیان حکایت از توجه این حکومت به مناسبات و تجارت دریایی دارد که از آن جمله می‌توان به مساح الفرضه یا همان مقام بازرسی گمرک و عرفا الساحل یعنی بازرس ساحلی اشاره کرد. ابن بطوطه نیز از وجود ساختارهای حکومتی مشابه هند و ایران در دربار حکام یمن سخن گفته است و به مناصبی مانند سپرداران، تیراندازان، حاجب، قاضی القضاة و دبیر خلوت اشاره نموده است.^۹

در بخش نظامی نیز دولت رسولیان دارای قوای زمینی و دریایی بود که عمده نیروی انسانی آن را بردگان و غلامان تشکیل می‌دادند. گسترش تجارت برده و افزایش تعداد بردگان در یمن یکی دیگر از عوامل مهم در شورش‌های اجتماعی در یمن بوده است. برابر برخی گزارش‌های تاریخی، سلاطین رسولی به نیروهای بومی اعتماد نداشته، از نیروی بردگان برای تکمیل و گسترش قوای نظامی خود بهره می‌بردند.^{۱۰}

۶. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ۲۷۴/۱.

1. Varisco, "Texts and Pretexts: the Unity of the Rasulid State under al-Malik al-Muzaffar", 15.

۸. باسورت، سلسله‌های اسلامی راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، ۱۶۳.

۹. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، ۲۷۳/۱.

۱۰. باسورت، سلسله‌های اسلامی راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، ۲۲۰.

نکته جالب در ساختار اداری و نظامی رسولیان وجود نیرویی به نام غلامان دریایی است که تحت عنوان ممالیک بحریه در خدمت نیروی دریایی رسولیان قرار داشتند. اداره‌ای هم تحت عنوان اداره اخذ عوارض بندری و گمرکی وجود داشت که در بنادر مستقر می‌شد و دفتر اصلی آن در بندر عدن قرار داشت. این اداره یا دفتر تحت عنوان «فرضه» شناخته می‌شد. این امر بیانگر حمایت دولت رسولیان از مسیرهای دریایی، کاروان‌های دریایی و کشتی‌های تجاری بود.^{۱۱} این امر مهم بر عهده گارد ساحلی بود که از آن تحت عنوان شوانی یاد می‌کردند. این نیروی شوانی دارای کشتی‌های مخصوصی بود که به همین نام معروف بودند. این نوع کشتی‌ها و نیرو در دولت ایوبیان هم وجود داشت که نشان‌دهنده تأثیرپذیری رسولیان از ایوبیان و اهمیت مناسبات دریایی است.^{۱۲}

یکی دیگر از بخش‌های مهم و مؤثر در ساختار اداری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عصر رسولیان نهاد وقف و شرایط اوقاف است. نهاد وقف در عهد رسولیان نهاد قدرتمندی بود و مورد حمایت دولت رسولی قرار داشت. مقامات دولت رسولی و حتی شاهزاده خانم‌ها و همسران سلاطین توجه جدی به امر وقف داشتند و در این جهت اهتمام جدی به خرج می‌دادند.^{۱۳} بانوان رسولی، واقفانی بخشنده بودند که آثار وقفی فراوانی از خود بر جای نهادند، به‌گونه‌ای که تا امروز آثار آن باقی مانده است. پرداختن به موضوع وقف در عهد رسولیان در یمن دو موضوع را روشن می‌سازد:

الف) ثروت و غنای مادی و نیز فرهنگی حکومت رسولیان را نشان می‌دهد که خود بیانگر رونق اقتصادی به‌ویژه در امر تجارت دریایی است. ب) نقش زنان مسلمان رسولی در فعالیت‌های اجتماعی، هنری و فرهنگی را روشن می‌سازد. هر چند پرداختن به موضوع وقف در حوصله این مقاله نیست؛ اما ذکر این نکته به تنهایی نشان می‌دهد که دولت رسولی یک دولت فرهنگی هم بوده است و از مدارس، به‌خصوص مدارس دینی و مذهبی حمایت می‌کرده است. مدارس در عهد رسولی هم مدارس دخترانه و هم مدارس پسرانه بوده است. ساخت این مراکز فرهنگی، حکایت از رفاه مادی حکومت جهت تأسیس چنین مراکزی است. نمونه مدارس وقفی که توسط زنان خاندان رسولی تأسیس شده، مدارس یاقوتیه، شبیه، الواقیه و اشرفیه است.^{۱۴} پس می‌توان گفت که ساختار اداری و نظامی رسولیان، حکایت از توجه این دولت به مناسبات تجاری و به‌ویژه تجارت دریایی و ارتباط با ایران دارد.

۱۱. عالم‌زاده و محمدی، «تجارت یمن در قلمرو رسولیان (۶۲۶-۸۵۸هـ)»، ۷۶.

۱۲. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ۵۵۵/۱۱-۵۵۴.

۱۳. سیف‌الدین، «الأوقاف العلمیة للمرأة الرسولیة فی زبید (۶۲۶-۸۵۸هـ/۱۲۲۹-۱۴۵۴م)»، ۷۵.

۱۴. سیف‌الدین، «الأوقاف العلمیة للمرأة الرسولیة فی زبید (۶۲۶-۸۵۸هـ/۱۲۲۹-۱۴۵۴م)»، ۷۷.

۴- تجارت بین یمن و بنادر خلیج فارس در عصر رسولیان

شرایط و وضعیت تجارت و دریانوردی بین بنادر خلیج فارس و یمن در عهد رسولیان از جمله مواردی است که در این فراز بدان می‌پردازیم. نکته مهمی که در ابتدا باید به آن اشاره کرد این است که هیچ منبع مستقل و مفیدی درباره روابط و مناسبات بین ایران و یمن در عصر رسولیان و یا روابط تجاری بین بنادر خلیج فارس و یمن در عصر رسولیان وجود ندارد. در عصر رسولیان عمده ارتباطات تجاری بین یمن و بنادر خلیج فارس با هرمز صورت می‌گرفت که تحت تسلط ملوک هرمز قرار داشت. علاوه بر هرمز، جزیره کیش، جزیره بحرین و بندر بصره از جمله مراکزی بودند که با یمن و بندر عدن مرادوات تجاری و دریایی داشتند، حتی بنادری مثل صحار، قلهاث و مسقط در این دوره در مسیر تجارت بین عدن و خلیج فارس قرار داشتند. یمن در تجارت بین شرق و غرب جهان به طور سنتی نقش میانجی و البته مهمی ایفا کرده است. یمن نه فقط در تجارت بین شرق و غرب جهان از قدیم الایام دارای نقش اساسی بوده که در دریانوردی و کشتی‌رانی بین شرق و غرب نیز نقش مهمی بر عهده داشته است. یمن و بنادر آن به خصوص بندر عدن بخش مهمی از راه ابریشم دریایی بوده است و علاوه بر آن، راه‌های زمینی یمن نیز نقش مهمی در بازرگانی بین آفریقا و آسیا از یک سو و آفریقا و خاورمیانه از سوی دیگر ایفا کرده‌اند. دولت رسولیان یمن به‌خوبی از این جایگاه و ظرفیت جغرافیایی و تاریخی در دریانوردی و تجارت شرق و غرب بهره برده، بخش عمده‌ای از درآمدهای خود را از طریق بازرگانی و عوارض و حقوق گمرکی به دست آورده‌اند.

سرزمین یمن از غرب به دریای سرخ و از شرق به دریای عمان از شمال به طائف و از جنوب به دریای عرب در اقیانوس هند محدود می‌شود. اهمیت این سرزمین چنان بود که به عربستان خوشبخت شهرت یافته است و از گذشته‌های دور از مراکز مهم تجاری بوده است. تجاری از چین، مصر، حجاز و خلیج-فارس با این سرزمین در ارتباط بودند.^{۱۵} این نواحی جنوبی عربستان علاوه بر تجارت، دارای خرمی و سرسبزی نیز بود. چنان‌که یمن الخضرانش خوانده‌اند و اعراب در طول تاریخ از طریق یمن با سرزمین‌های دیگر ارتباط داشتند.^{۱۶} بسیاری از بازرگانان، کالاهای تجاری خود را از عمان به یمن انتقال می‌دادند و از آنجا به دیگر بنادر می‌فرستادند. پس موقعیت تجاری یمن به واسطه ارتباط بین شرق و غرب بسیار مهم بوده است. به‌علاوه ارتباط تجاری خلیج فارس با مناطق مختلف شرق آفریقا و شرق آسیا به‌ویژه چین سبب گردید که تجار این نواحی یعنی کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج فارس از یمن به‌عنوان یک واسطه تجاری مهم بهره گیرند.

۱۵. فیاض، تاریخ اسلام، ۵.

۱۶. فیاض، تاریخ اسلام، ۱۰-۱۱.

از گذشته‌های دور و باستانی و حتی در اسطوره‌ها و حماسه‌ها پیوندهای ناگسستنی بین ایران و یمن وجود داشته است. چنان‌که سرزمین‌هایی مانند سبا که در قرآن یاد شده و هاماوران که در حماسه‌های ایرانی از آن نام برده شده است، همان یمن امروزی است که در ارتباط با داستان کاووس و ماجراهای همسرش سودابه است. به نظر می‌رسد که به دلیل موقعیت سیاسی و تجاری یمن، شاهان ایرانی به این سرزمین توجه داشته‌اند.^{۱۷} در دوره هخامنشیان نیز ارتباط یمن با ایران وجود داشته است؛ به‌ویژه آنکه بندر غزه که در کناره شرقی مدیترانه مهم‌ترین مرکز و شهر حیاتی در تجارت یمن با ایران محسوب می‌شد در اختیار و تصرف ایرانیان بود و روابط یمن با هر دولتی که بر این بندر حاکم بود، در حالت سازش قرار داشت. پس می‌توان گفت که از گذشته‌های دور، بین ایرانیان و یمن به‌ویژه در مسائل تجاری، ارتباطات زیادی وجود داشته است.^{۱۸}

در دوره ساسانیان به‌ویژه در زمان خسرو انوشیروان اهمیت یمن و موقعیت سوق الجیشی و جغرافیایی آن به لحاظ سیاسی و تجاری باعث تصرف آنجا توسط وهرز و سپس ورود حکامی مانند بازان به آنجا گردید. این مسئله به دلیل رقابت تجاری و سیاسی بین ایران و روم در مناطق دریایی بود. چنان‌که هجوم دریایی ایرانیان به یمن و شکست حبشیان سبب سلطه ایرانیان بر این منطقه شد.^{۱۹} به واقع باید گفت که رقابت دریایی بین ایران و روم و تسلط بر شاهراه‌های تجاری جهت به دست آوردن منابع اقتصادی ارزشمند، زمینه‌ساز بسط قدرت ایرانیان در یمن در سال ۵۷۰م گردید.^{۲۰} در دوره ساسانیان، ارتباطات خلیج فارس با یمن از طریق بندر ابله صورت می‌گرفت و این بندر از پایگاه‌های نظامی ایران در خلیج فارس نیز بود. سپاهیان ایران در زمان انوشیروان از ابله عازم یمن شدند.^{۲۱} رفتار مناسب ایرانیان با مردم یمن، پس از تصرف این سرزمین و خارج ساختن آن‌ها از زیر سلطه حبشی‌ها، سبب گردید که نسبت ایرانیان و ارتباط با ایران، دیدگاه مناسبی در یمن وجود داشته باشد. چنان‌که قبایل یمنی در زمان حکومت ایرانیان، بدون فشار و تحکمی به زندگی سابق خود بازگشتند.^{۲۲}

در دوره اسلامی نیز نفوذ ایرانیان در یمن و ارتباط تجاری با این سرزمین به‌ویژه از سوی خلیج فارس تداوم یافت. چنان‌که گروه‌هایی از ایرانیان، ساکن عدن شدند و ارتباط خود را به‌ویژه در بخش تجاری با

۱۷. میرزانی، «ایران و یمن در اسطوره و تاریخ»، ۴۳.

۱۸. ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ۱۰۸/۳.

۱۹. طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۷۴/۱؛ دینوری، اخبارالطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ۹۳.

۲۰. کریستنسن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ۴۹۵.

۲۱. ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ۳۵۴/۲-۳۶۳.

۲۲. ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ۱۸۵/۲.

ایران حفظ کردند. اگرچه آن‌ها خط و زبان عربی را فرا گرفتند ولی همچنان به برپاداشتن رسوم و سنت‌های ایرانی مانند عید نوروز وفادار ماندند.^{۲۳} نمونه دیگری از این ارتباطات تجاری با خلیج فارس، ارتباط بندر بصره با بندر عدن بود که از دوره باستان شروع شد و در دوره اسلامی تداوم یافت.^{۲۴}

چنان‌که اشاره شد، رسولیان دارای ساختار اداری گسترده و نیروهای نظامی در بخش‌های زمینی و دریایی بودند. همچنین به ساختن بناهای عظیم اقدام نمودند و بخشی از ثروت خود را در راه امور عام-المنفعة و اوقاف هزینه کردند. پس جهت تأمین این هزینه‌ها نیازمند به دست آوردن درآمدهای فراوانی بودند. بخش عمده این درآمدها از راه تجارت به دست می‌آمد. به دلیل آنکه تجارت از راه‌های زمینی برای حکومت رسولیان با خطرات فراوانی همراه بود و کاروان‌های تجاری در مسیر یمن، گاهی از سوی حکام مکه مورد هجوم و مصادره قرار می‌گرفتند،^{۲۵} پس تجارت دریایی اهمیت فراوانی برای آنان داشت. در دوره رسولیان، شبکه‌ای از تجارت میان یمن، مصر، شرق آفریقا، هند، چین و خلیج فارس در جریان بود و بازرگانان مسلمان و غیرمسلمان در آن نقش داشتند و یمن نیز به‌عنوان یک واسطه تجاری عمل می‌کرد.^{۲۶} رسولیان نه تنها امکانات و تسهیلات مناسبی برای تجار و بازرگانان فراهم می‌کردند بلکه بازرگانان به‌خصوص تجار دریایی را تشویق می‌کردند. اهمیت بازرگانی و دریانوردی تجاری در دولت رسولیان به حدی بود که اداره و دفتر مخصوص در بندر عدن وجود داشت که از سوی دولت رسولی برپا شده بود و وظیفه آن این بود که به‌طور ویژه به امور تجاری پرداخته، از تجار حمایت می‌کرد. المظفر از حکام رسولی، پیوسته به عدن می‌رفت و با دیدار با بازرگانان به بررسی وضعیت تجارت می‌پرداخت.^{۲۷} الاشرف دوم نیز، هنگام بازدید از بندر عدن، هدایایی به برخی تجار ناراضی تقدیم داشت که از برخورد مأموران با خود در این بندر ناراضی بودند.^{۲۸} ابن مجاور و مارکو پولو نیز تأکید دارند که بخش عمده درآمد رسولیان، حاصل تجارت کشتی‌هایی از مناطق مختلف بود که راهی یمن می‌شدند.^{۲۹} رسولیان حتی جهت رونق تجارت در بنادر خود به یکسانی اوزان، معیارها و مقیاس‌ها نیز توجه خاصی نمودند.^{۳۰} عدن بزرگ‌ترین بندر یمن در

۲۳. ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ۱۶۱/۲.

۲۴. ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ۱۵۷/۲.

۲۵. مقریزی، الذهب المسبوك فی ذکر من حج من الخلفاء والملوک، ۵۶۳.

26. Varisco, "Texts and Pretexts: the Unity of the Rasulid State under al-Malik al-Muzaffar", 18.

۲۷. الخزرچی، العقود اللؤلؤیة فی تاریخ الدولة الرسولیة، ۲۵۲.

۲۸. الخزرچی، العقود اللؤلؤیة فی تاریخ الدولة الرسولیة، ۱۴۵.

۲۹. ابن مجاور، صفة بلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز، ۱۶۳-۱۶۴؛ مارکو پولو، سفرنامه مارکو پولو، ترجمه سید منصور سجادی و آنجلاد دی جوانی رومانو، ۲۴۸.

30. Varisco, "Texts and Pretexts: the Unity of the Rasulid State under al-Malik al-Muzaffar", 20.

عهد رسولیان در جایگاه یک مرکز صادرات مجدد نقش مهمی در اقتصاد دریایی یمن ایفا می‌کرد. به واقع در این دوره، کالاها از شرق و غرب جهان به یمن آمده و از آنجا به مقاصد جدید صادر می‌شد. در واقع عدن مرکز صادرات مجدد بود. این همان نقشی است که بندر دبی امروزه در امارات متحده عربی و خلیج فارس بر عهده دارد. بسیاری از کالاهایی که به عدن وارد می‌شد برای صادرات به مقاصد دیگر بود. از سوی دیگر بسیاری از محصولات و کالاهایی که در یمن تولید می‌شدند برای صادرات بود. اقلام و کالاهایی که در تجارت و دریانوردی عصر رسولیان مورد توجه بازرگانان بود و در دریانوردی تجاری بین شرق و غرب مبادله می‌شد، طیف گسترده‌ای از کالاها و محصولات طبیعی و صنعتی وارداتی بود.

پیش از اینکه به فهرست کالاها و اقلامی که بین بنادر خلیج فارس در عصر ملوک هرمز و یمن در عهد رسولیان مبادله می‌شد، پرداخته شود، ذکر یک سنت تاریخی و مهم در دریانوردی بین خلیج فارس، هندوستان و یمن لازم است. سیاست تجارت آزاد و آزادی تجاری برای همه و نیز دریانوردی آزاد برای همگان از اصول اساسی و حاکم بر دریانوردی و بازرگانی در خلیج فارس و مشرق زمین از دیرباز بوده است. از عهد هخامنشیان تا عهد ساسانیان و از عهد اسلام تا دوران جدید و تا زمان ورود پرتغالی‌ها به خلیج فارس و مشرق زمین، سیاست آزادی تجارت و دریانوردی فارغ از دین، قومیت و ملیت برقرار بود و هیچ محدودیتی نداشت. اما از زمانی که پرتغالی‌ها پا به عرصه دریاها و از جمله خلیج فارس نهادند، محدودیت‌های قومی، نژادی و مذهبی را وارد تجارت و دریانوردی کرده و قوانین ظالمانه‌ای همچون کارتزا و کافیلرا برقرار ساختند.^{۳۱}

آزادی تجارت و دریانوردی در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای سرخ از جمله اموری بود که همواره وجود داشته و این خود یکی از عوامل اصلی رونق بازرگانی در این نواحی بوده است. در بنادر و جزایر خلیج فارس هم هیچ نوع محدودیت برای تجار و بازرگانان وجود نداشت. در عصر ملوک هرمز، هر بازرگانی با هر دین و مذهبی و هر قومیتی و حتی کفار می‌توانستند وارد هرمز شده و به تجارت بپردازد.^{۳۲} این مدارا و بردباری که در جوامع بندری خلیج فارس و یمن و هندوستان وجود داشت زمینه‌های بسیار مناسبی را برای گسترش تجارت و دریانوردی تجاری مهیا کرده بود. در عصر رسولیان که دوران شکوفایی تجاری و اقتصاد در یمن بود، تحت تأثیر همین سیاست مدارا و بردباری و رعایت حقوق فردی و مذهبی تجار و بازرگانان شاهد رشد فرهنگی و غنای اجتماعی همراه با رونق اقتصادی هستیم.

حضور افراد از ملیت‌های مختلف و فرهنگ‌های گوناگون باعث شده بود که تنوع فرهنگی در یمن به

۳۱. اسدپور، تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، ۱۴۷.

۳۲. سمرقندی، مطلع السعدین و مجمع البحرين، ۵۱۴/۳-۵۱۳.

وجود آید. این تنوع بدان حد بود که بر اثر کثرت تجار ایرانی که به زبان فارسی حرف می‌زدند، برخی کلمات و اصطلاحات فارسی در یمن رایج شد. علاوه بر کلمات و اصطلاحاتی که در فن دریانوردی رایج بود از قبیل رهنامه، بندر، ناخدا، خن و خونجه و خونجات که همان خوانچه فارسی هست،^{۳۳} کلمات دیگری همچون خانه، میرآخور و حوایج خانه وارد ادبیات اداری و سیاسی یمن در عصر رسولیان شد. نکته جالب آنکه حتی یک فرهنگ لغات شش زبانه در یمن در عصر رسولیان تدوین شد که زبان فارسی نیز جزء شش زبان بود. این فرهنگ شش زبانه دارای لغات و اصطلاحاتی به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، مغولی ارمنی و بیزانسی بود. این فرهنگ شش زبانه که آن را Hexaglot می‌نامند به فرهنگ شش زبانه رسولی معروف است. این فرهنگ دارای پانصد و چهل و دو صفحه است و در سال ۱۹۸۵م در یمن به چاپ رسیده است. اختصاص یک بخش از این فرهنگ شش زبانه به زبان فارسی نه تنها نشان از جایگاه رفیع زبان فارسی و گستره آن در جهان اسلام دارد بلکه بیانگر رواج زبان فارسی در یمن به واسطه حضور انبوه بازرگانان و دریانوردان و نیز مهاجران فارس زبان در یمن است.^{۳۴}

دوره حکومت رسولیان، مصادف با هجوم مغولان به ایران و جهان اسلام بود. هجوم مغولان سبب نامنی راه‌های تجاری زمینی از یک سو و رشد و تقویت تجارت دریایی از طریق جزایری مانند کیش و هرمز گردید. به ویژه آنکه تجاری از ایران، سال‌ها در سواحل دریای سرخ و بنادری مانند جدّه، اقامت کرده و از طریق تجارت به ثروت زیادی دست یافته بودند.^{۳۵} در این زمان یمن به‌عنوان واسطه مهمی برای ارتباط این تجار با خلیج فارس محسوب می‌شد. این تجارت گسترده، سبب گسترش نفوذ و قدرت حکام جزایر خلیج فارس گردیده بود.^{۳۶} همچنین به دلیل ارتباط گسترده و مناسب رسولیان با حکومت ممالیک، یمن به‌عنوان واسطه برای تجار خلیج فارس و دیگر مناطق با مصر و شرق آفریقا بود.^{۳۷} تجار ایرانی ساکن یمن نیز، ضمن اطاعت از حکام رسولی، روابط گسترده‌ای با مناطقی مانند کیش داشتند.^{۳۸} جالب آنکه در این زمان، گروه‌هایی تجارت پیشه نیز از یمن به کیش آمده، ساکن جزیره کیش شدند.^{۳۹} از سوی دیگر، در طول تاریخ، دریانوردانی که از خلیج فارس، عازم مناطق دوردست می‌گردیدند، گاهی جهت رهایی از

۳۳. جازم، نورالمعارف فی نظم و قوانین و اعراف الیمن فی العهد المظفری الوارف، ۱۴۳.

34. Shamrookh, *The Commerce of the Rasulids in the Yemen*, 75.

۳۵. وثوقی، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ۱۲۳.

۳۶. اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، ۱۵۳.

37. Goitein, "New Lights on the Beginnings of the Karim Merchants", 182.

۳۸. راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ۹۵/۵.

۳۹. وثوقی، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، ۱۲۳.

هجوم‌های دزدان دریایی و زمانی جهت تعمیر کشتی‌های خود، مجبور به اقامت در یمن می‌شدند و حتی محصولات خود را در این سرزمین نیز به فروش می‌رساندند.^{۴۰} حال می‌توان به مهم‌ترین محصولاتی پرداخت که در تجارت میان خلیج فارس و یمن نقش زیادی داشتند:

۱. فلفل: فلفل از مالابار و اندونزی به یمن وارد شده و از آنجا صادر می‌شد. در یمن از هر بار فلفل یک سوم دینار یمنی حقوق گمرکی و عوارض اخذ می‌کردند. واحد تعیین میزان حقوق گمرکی و یا مالیات ورودی و صادراتی کالاها برابر بود با هر بار شتر. به عبارت بهتر، مقدار باری که یک شتر می‌توانست جابه‌جا کند معیار قرار می‌گرفت. هر بار فلفل بین پنجاه تا یکصد و بیست دینار قیمت داشت و این بسته به نوع محصول و میزان آن بود و لذا مالیات هر بار شتر فلفل برابر بود با یک سوم دینار یمنی. سکه‌های رایج در یمن در عصر رسولیان دینار طلا و درهم از نقره بود.^{۴۱}

۲. میخک: قیمت میخک دو برابر فلفل بود و از اندونزی وارد شده و صادر می‌گشت. مالیات هر بار میخک در عدن یازده دینار بود.^{۴۲}

۳. دارچین: دارچین از هند و افریقای شرقی و حتی چین وارد عدن شده و دوباره صادر می‌شد. دارچینی که از شرق آفریقا وارد عدن می‌شد به خلیج فارس صادر می‌شد و مالیات هر بار آن در عدن برابر با یک دینار بوده است.^{۴۳}

۴. حنا: حنا از سیلان و هندوستان و اندونزی وارد یمن می‌شد. هر بار حنا یک سوم دینار عوارض داشت.^{۴۴}

۵. لوز هندی: لوز هندی از هندوستان و کابل وارد یمن می‌شد. لوزی که محصول کابل بود مرغوب‌تر بود و در عدن بازار بهتری داشت. لوز کابل از طریق خلیج فارس وارد عدن می‌شد و البته در خود یمن هم لوز به دست می‌آمد ولی تقاضای فراوانی برای واردات لوز کابلی وجود داشت.^{۴۵}

۶. زنجبیل: زنجبیل در چین کاشته می‌شد و البته در خود یمن هم در اراضی اطراف شهر زبید کشت می‌شد. زنجبیل از عدن به بنادر خلیج فارس صادر می‌شد.

۷. عطرها و خوشبوکننده‌ها: سرزمین یمن از قدیم الایام از مراکز اصلی کشت و پرورش و صادرات

۴۰. سیرافی، اخبار الصين و الهند، ترجمه حسین قرچانلو، ۵۶.

۴۱. ابن فقیه، البلدان، ۷۲؛ ابن مجاور، صفة بلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز، ۱۴۲-۱۴۳.

۴۲. ابن فقیه، البلدان، ۷۲.

۴۳. ابن مجاور، صفة بلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز، ۱۴۲-۱۴۳.

۴۴. ابن مجاور، صفة بلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز، ۱۶۱.

۴۵. همان.

انواع عطرها و خوشبوکننده‌های طبیعی به شمار رفته است. بنادر خلیج فارس از بازارهای مهم صادراتی برای عطرها و خوشبوکننده‌های طبیعی یمن بوده و بخور و عطرها یمنی در اینجا مشتریان فراوان داشته است.^{۴۶}

۸. کندر سرخ: یمن در عهد رسولیان از مراکز عمده صادرات کندر سرخ بود و از آنجا به خلیج فارس صادر می شد. هر بار کندر سرخ در عدن یک دینار عوارض گمرکی داشته است.

۹. زعفران: زعفران در یمن هم کاشته می شد اما عمده زعفران مصرفی در یمن از ایران و از طریق هرمز وارد می شد. علاوه بر آن، بخشی از زعفران وارداتی از ایران به یمن مجدداً به نقاط دیگر صادر می شد. بهترین زعفران ایرانی در یمن به زعفران اصفهانی شهرت داشت و برای هر بار آن هشت دینار اخذ می کردند.

۱۰. عود: عود محصول یمن بود و مخصوصاً در منطقه حضرموت به دست می آمد. عود از یمن به ایران و بنادر خلیج فارس وارد می شد و نصف دینار عوارض آن بوده است.

۱۱. تریاک و شربت تریاک: تریاک و فرآورده های تریاک از جزیره کیش در خلیج فارس به یمن صادر می شد و از آنجا به سایر نواحی مجدداً صادر می گشت. هر بار تریاک چهارده دینار عوارض داشته است.

۱۲. مشک: مشک یکی از بهترین عطرها طبیعی است و مراکز اصلی تولید آن در تبت و چین و آسیای مرکزی قرار داشت. مشک تبتی از نوع مرغوب آن بود و به طور کلی مشک در تجارت جهانی آن روز نقش مهمی داشت. مشک از طریق هند و نیز خلیج فارس وارد یمن شده و متقاضیان فراوانی داشت.^{۴۷}

۱۳- عنبر: عنبر در خود کشور یمن به دست می آمد و از آنجا به سایر نقاط صادر می شد. ایران و بنادر خلیج فارس از مراکز عمده واردات عنبر یمنی بود.^{۴۸}

۱۴- خرما و فرآورده های آن: عمده خرما ی مصرفی یمن از ایران و عراق تأمین می گردید و خرما از طریق بنادر و جزایر واقع در خلیج فارس همچون بصره، کیش و هرمز به یمن صادر می شد. بخشی از خرما ی وارداتی از یمن به افریقا صادر می شد. هر چند در بخش هایی از یمن نیز خرما ی مرغوبی به دست می آمد ولی به نظر می رسد که به اندازه کافی نبود تا پاسخگوی نیازهای این سرزمین باشد. از سوی دیگر، مسئله درآمد ترازیت کالاها و محصولات وارداتی از یمن به دیگر مناطق جهت حکومت رسولیان اهمیت

۴۶. قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه محمد مراد بن عبد الرحمان، ۶۵.

۴۷. ابن فقیه، البلدان، ۷۲.

۴۸. سیرافی، اخبار الصين و الهند، ترجمه حسین قرچانلو، ۱۳۷.

زیادی داشت.^{۴۹}

۱۵- پارچه و منسوجات: در عهد رسولیان در یمن صنعت منسوجات و پارچه بافی رونق فراوان داشت و به دنبال آن صادرات این کالا هم پر رونق بود. علاوه بر منسوجات و پارچه‌هایی که در یمن بافته می‌شد انواع پارچه‌ها و منسوجات از شرق و غرب جهان وارد یمن می‌شد که علاوه بر رفع نیازهای داخلی مجدداً صادر می‌شد. معروف‌ترین پارچه‌ای که در یمن بافته شده و شهرت جهانی داشت برد یمانی بود که صادر می‌شد. از طریق بنادر خلیج فارس برد یمانی و سایر منسوجات یمنی وارد ایران و عراق و آسیای میانه می‌شد. در مقابل از ایران نیز انواع منسوجات و نیز پوشاک و لباس و فرش و حتی نخ وارد یمن می‌شد. نخ مورد نیاز در صنایع ریسندگی و بافندگی یمن از ایران وارد می‌شد.^{۵۰} صدور منسوجات و به‌ویژه منسوجات ابریشمی مانند روسری‌های ابریشمی از به یمن، از مدت‌ها قبل از حکومت رسولی نیز رایج بوده است.^{۵۱} قدر مسلم، تجارت با یمن به شکل عمده از سوی خلیج فارس بوده است. هم چنین ثوب و یا همان پوشاک ایرانی از طریق جزیره کیش به عدن صادر می‌شد. نکته جالب صادرات متکا و بالشت و نیز مخده از ایران به یمن بوده است. مخده مازندرانی یا تبرستانی در یمن طرفداران بسیار داشت و از طریق جزیره هرمز به عدن صادر می‌شد.

۱۶. طلا جواهرات و سنگ‌های قیمتی: طلا جواهرات و سنگ‌های قیمتی در تجارت یمن و نیز بازرگانی بین شرق و غرب نقش مهمی داشت. طلا از آفریقا و مصر به یمن وارد شده و از طریق راه‌های دریایی به ایران صادر می‌شد. طلای وارد شده از یمن به واسطه بنادر خلیج فارس در درون ایران توزیع شده و به فروش می‌رسید. همچنین می‌توان به ورود مرجان، زمرد، الماس و به‌ویژه یاقوت از یمن به ایران از طریق خلیج فارس اشاره کرد.^{۵۲} صدور سنگ‌های قیمتی از یمن به بنادر خلیج فارس مانند بصره نیز سابقه طولانی داشته است.^{۵۳} به نظر می‌رسد که برخی از این سنگ‌های قیمتی که از یمن وارد هرمز می‌شدند به مناطقی مانند چین نیز فرستاده می‌شدند. زیرا یکی از صادرات هرمز به چین همین سنگ‌های قیمتی بود.^{۵۴}

۱۷. برده و تجارت برده: بازار برده فروشی در یمن بسیار رونق داشت و یمن از مراکز اصلی انتقال و فروش بردگان آفریقایی بود. بردگان در گروه‌های مختلف از آفریقا و مخصوصاً سومالی و بازار مگادیشو

۴۹. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موجد، ۲۷۰/۱.

۵۰. ابن مجاور، صفة بلاد الیمن و مکه و بعض الحجاز، ۱۶۳-۱۶۱.

۵۱. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ۵۶۳.

۵۲. انصاری دمشقی، نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر. ترجمه سید حمید طیبیان، ۱۳۸۲.

۵۳. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ۱۳۵؛ صورالاقالیم، ۳۶.

۵۴. کاوتس و پتاک، هرمز در منابع دوره‌های یونان و مینگ، ترجمه مهرداد وحدتی، ۶۵.

وارد یمن شده و از آنجا به سایر بازارها و از جمله بنادر خلیج فارس و ایران و عراق و مناطق عربی صادر می- شد. به ازای هر برده مرد چهار دینار و هر برده زن دو دینار عوارض اخذ می گردید.
۱۸. شکر از جمله محصولات مهمی بود که از خوزستان و از طریق خلیج فارس به یمن صادر می گشت.^{۵۵}

نتیجه گیری

پیشینه روابط ایران و یمن به پیش از اسلام برمی گردد و دارای روابط مستمر و گسترده ای در دوره اسلامی نیز بوده اند. مناسبات تجاری بین دو کشور و مهاجرت اقوام و گروه های مختلف از زوایای مهم این مناسبات و روابط به شمار می رود. این پژوهش که پیرامون مناسبات تجاری بین بنادر خلیج فارس و یمن در عهد رسولیان انجام شده به نکاتی دست یافته که اهم آن ها عبارتند از:

الف: حکومت رسولیان با تمرکز بر بازرگانی دریایی که عمده درآمد حکومت از این راه تأمین می شد، موفق به رشد و توسعه گردید و تبدیل به دولتی ثروتمند شد. پس دولت رسولیان با تسهیل مقررات تجاری و قوانین گمرکی و دریانوردی به حمایت از تجار و کشتی رانی تجاری پرداخت و با تعمیق روابط تجاری خود با خلیج فارس، موجب تقویت جایگاه تجارت بین المللی یمن شد.

ب: مناسبات تجاری و دریانوردی بین بنادر خلیج فارس مخصوصاً در عهد ملوک هرمز و یمن در دوره حاکمیت رسولیان از یک روند مستمر و فزاینده برخوردار بود و پیوندهای بازرگانی فرهنگی و اجتماعی قابل توجهی در این دوره بین دو منطقه به وجود آمد که بازتاب آن در اصطلاحات و کلمات فارسی برجای مانده در ادبیات سیاسی و اداری یمن در عهد رسولیان گواه این مدعاست. وجود زبان فارسی و اصطلاحات آن در تنها فرهنگ شش زبانه یمن یکی دیگر از نشانه های گسترش روابط دو کشور در عهد رسولیان است.

ج: انواع کالاهای کشاورزی و صنایع دستی از ایران و به واسطه بنادر خلیج فارس به یمن صادر می شد که می توان به خرما، زعفران، مشک، لباس و پوشاک و فرش و مخده اشاره نمود. در مقابل میخک، دارچین، عود، عنبر، برد یمانی، زمردسبز، طلا، الماس، یاقوت و برده از یمن وارد بنادر خلیج فارس شده و در درون ایران توزیع شده، یا دوباره صادر می گشت.

د: اهمیت مناسبات و روابط بین بنادر خلیج فارس و دولت رسولیان در یمن دارای وجه دیگری نیز است و آن عبارت است از اینکه پس از تسلط مغولان و ایلخانان بر راه های مواصلاتی و تجاری در درون فلات ایران و رکود مسیرهای زمینی، توجه به راه های دریایی و کشتی رانی افزایش یافت و تجار و بازرگانان به

این مسیرها روی آوردند. در این شرایط دولت رسولیان در یمن و نیز ملوک هرمز در خلیج فارس متوجه جایگاه و نقش خطوط و مسیرهای دریایی در تجارت بین شرق و غرب شده و به رونق آن همت گماشتند و به این ترتیب به شکوفایی تجارت دریایی مساعدت نمودند. در خلیج فارس، ملوک هرمز پس از ایلخانان نیز به تداوم سیاست مثبت و دقیق خویش در جهت تقویت و توسعه تجارت دریایی همت گماشتند و دوران طلایی هرمز را رقم زدند و در یمن نیز رسولیان از چنین سیاست و الگویی پیروی نموده، بانی عصر طلایی یمن شدند. لازم به ذکر است که سیاست تسامح و تساهل که از سوی رسولیان یمن و حکام هرمز در پیش گرفته شده بود، در رونق تجارت دریایی بسیار مؤثر بود.

فهرست منابع

- ابن اثیر. الکامل فی التاریخ. بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م.
- ابن بطوطه. سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.
- ابن فقیه، احمد بن محمد. البلدان. به تحقیق یوسف هادی. بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۶ق.
- ابن مجاور، یوسف بن یعقوب. صفة بلاد الیمن و مکة و بعض الحجاز. به تحقیق ممدوح حسن محمد. قاهره: مکتب الثقافة الدینیة، ۱۹۹۶م.
- اسدپور، حمید. تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه. تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۷ش.
- اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ش.
- انصاری دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب. نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر. ترجمه سید حمید طبیبیان. تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۲ش.
- باسورث، کلیفورد ادموند. سلسله‌های اسلامی راهنمای گاهشماری و تبارشناسی. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
- جازم، محمد عبدالرحیم. نورالمعارف فی نظم و قوانین و اعراف الیمن فی العهد المظفری الوارف. یمن: صنعا، ۲۰۰۳م.
- الخزرجی، علی بن حسن. العقود اللؤلؤیة فی تاریخ الدولة الرسولیة. به تحقیق محمد بسیونی. صنعا: دارالادب، ۱۴۰۳ق.
- دینوری، ابوحنیفه. اخبارالطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ش.
- راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۲ش.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. مطلع السعدین و مجمع البحرین. به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: طهوری، ۱۳۵۳ش.

- سیرافی، سلیمان. اخبار الصين و الهند. ترجمه حسین قرچانلو. تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۱ ش.
- سیف‌الدین، عبدالحکیم. «الأوقاف العلمية للمرأة الرسولية فی زبید (۶۲۶-۸۵۸هـ/۱۲۲۹-۱۴۵۴م)». اسطور للدراسات التاريخية، ش. ۴ (۲۰۱۶): ۵۷-۷۳.
- صورالاقالیم. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۵ ش.
- عالم‌زاده، هادی و ابراهیم محمدی. «تجارت یمن در قلمرو رسولیان (۶۲۶-۸۵۸هـ)». فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش. ۲۳ (۱۳۹۵): ۷۱-۸۸.
- فیاض، علی اکبر. تاریخ اسلام. تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.
- قزوینی، زکریا بن محمد. آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه محمد مراد بن عبد الرحمان. تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش.
- کاوتس، رالف و رودریش پتاک. هرمز در منابع دوره‌های یوآن و مینگ. ترجمه مهرداد وحدتی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۳ ش.
- کریستن‌سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۷۲ ش.
- مارکوپولو. سفرنامه مارکوپولو. ترجمه سید منصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانو. تهران: انتشارات بوعلی، ۱۳۹۶ ش.
- مقدسی، ابو عبدالله احمد بن محمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: انتشارات کومش، ۱۳۸۵ ش.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی. الذهب المسبوک فی ذکر من حج من الخلفاء والملوک. به تحقیق جمال‌الدین شیال. قاهره: مکتب الخانجی، ۱۹۵۵ م.
- ملایری، محمد مهدی. تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. تهران: نشر توس، ۱۳۷۵ ش.
- میرزانی، منصور. «ایران و یمن در اسطوره و تاریخ». فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش. ۱۴ - ۱۵ (۱۳۸۸): ۱۹۷-۲۲۴.
- وثوقی، محمد باقر. تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰ ش.
- Goitein, S.D. "New Lights on the Beginnings of the Karim Merchants". *Journal of the Economic and Social History of Orient*, 1958.
- Shamrookh, Nayef Abdullah. *The Commerce of the Rasulids in the Yemen*. Kuwait, 1996.
- Varisco, Daniel martin. "Texts and Pretexts : the Unity of the Rasulid State under al-Malik al-Muzaffar".

Revue des mondes musulmans et de la Méditerranée Année , (1993): 13-24.

"Rasulid dynasty". In *Encyclopaedia of Britannica*. www.britannica.com.

"Rasulid Hexaglot". In *Encyclopaedia Iranica*. www.iranicaonline.org

Transliterated Bibliography

‘Ālimzādah, Hādī va Ibrāhīm Muḥammadī. "Tijārat-i Yaman dar Qalamrū-yi Rasūliyān(626-858/1229-1454)". *Faṣḥnāmih-yi Tārikh va Tamadūn Islāmī*, no. 23 (2017/1395): 71-88.

al-Khazrajī, ‘Alī ibn Ḥasan. *al-Uqūd al-Lū Lu’iyah fi Tārikh al-Dawlah al-Rasūliyah*. Researched by Muḥammad Basyūnī. Ṣan’ā: Dār al-Adab, 1983/1403.

Anṣārī Dimashqī, Shams al-Dīn Muḥammad ibn Abī Ṭālib. *Nukhba al-Ddahr fi ‘Ajā’ib al-Barr wa al-Baḥr*. translated by Sayyid Ḥamid Ṭabibiyān. Tehran: Nashr Asātir, 2004/1382.

Asadpūr, Ḥamid. *Tārikh-i Iqtisādī va Siyāsī-i Khalij Fārs dar ‘Aṣr-i Afshāriyah va Zandiyyah*. Tehran: Niğaristān-i Andīshih, 2019/1397.

Bosworth, Clifford Edmund. *Silsilah-hā-yi Islāmī Rāhnamāy Gāhshumārī va Tabārshināsī*. translated by Faridūn Badrahī. Tehran: Mū’assisah-yi Muṭālī’āt va Taḥqīqāt-i Farhangī, 1993/1371.

Christensen, Arthur. *Irān dar Zamān-i Sāsāniyān*. translated by Rashīd Yāsami. Tehran: Nashr-i Dunyā-yi Kitāb, 1994/1372.

Dīnawarī, Abū Ḥanīfa. *Akhbār al-Ṭiwāl*. translated by Maḥmūd Mahdavi Dāmghānī. Tehran: Nashr Niy, 2005/1383.

Fayyād, ‘Alī Akbar. *Tārikh-i Islām*. Tehran: Nashr University of Tehran, 1998/1376.

Ibn Mujāwir, Yūsuf ibn Ya’qūb. *Ṣafā bilād al-Yaman wa Makka wa Ba’d al-Ḥijāz*. Researched by Mamdūh Ḥasan Muḥammad. Cairo: Maktaba al-Thiqāfa al-Dīniya, 1996/1416.

Ibn Athīr. *al-Kāmil fi al-Tārikh*. Beirut: Dār al-Ṣādir, 1965/1385.

Ibn Baṭūṭah. *Safarnāmah-yi Ibn Baṭūṭah*. translated by Muḥammad ‘Alī Muwahḥid. Tehran: Intishārāt-i ‘Ilmī va Farhangī, 1983/1361.

Ibn Faqia, Aḥmad ibn Muḥammad. *al-Buldān*. Researched by Yūsuf Hādī. Beirut: ‘Ālim al-Kutub, 1996/1416.

Jāzim, Muḥammad ‘Abd al-Raḥīm. *Nūr al-Ma’ārif fi Nuzum wa Qawānīn wa al-A’rāf al-Yaman fi al-‘Ahd al-Muzaffarī al-Wārif*. Yaman: Ṣan’ā, 2003/1423.

- Kauz, Ralph va Roderich Pitak. *Hurmuz dar Manābi' Durih-hā-yi Yān va Mīng*. translated by Mihrdād Vaḥdatī. Tehran: Markhaz-i Nashr-i Dānishgāhī, 2005/1383.
- Malāyirī, Muḥammad Mahdī. *Tāriḫ va Farhang-i Irān dar Dawrān-i Intiqāl az 'Aṣr-i Sāsānī bi 'Aṣr-i Islāmī*. Tehran: Nashr-i Tūs, vol. 2, 1997/1375; vol. 3, 2001/1379.
- Maqddasī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Aḥsan al-Taqāsīm fī Ma'rifa al-Aqālim*. translated by 'Alī Naqī Munzavī. Tehran: Intishārāt-i Kūmish, 2007/1385.
- Maqrīzī, Taqī al-Dīn Aḥmad ibn 'Alī. *al-Dhahab al-Masbūk fī dhikr man Hajja min Khulafā' wa al-Mulūk*. researched by Jamāl al-Dīn al-Shayyāl. Cairo: Maktab al-Khānjī. 1955/1333.
- Marco Polo. *Safarnāmiḥ-yi Marco Polo*. translated by Sayyid Maṣṣūr Sajādī va Angela Di Giovanni Romano, Tehran: Intishārāt-i Bū 'Alī, 2018/1396.
- Mīrzāniyā, Maṣṣūr. "Irān va Yaman dar Ustūriḥ va Tāriḫ". *Faṣlnāmiḥ-yi Dānishkadīḥ-yi Adabiyāt va 'Ulūm Insānī*, no. 14-15 (2010/1388): 197-224.
- Qāzwīnī, Zakariyā ibn Muḥammad. *Āthār al-Bilād wa Akhbār al-'Ibād*. translated by Muḥammad Murād ibn 'Abd al-Raḥmān. Tehran: Nashr-i University of Tehran, 1993/1371.
- Rāvandī, Murtaẓā. *Tāriḫ-i Ijtimā'i Irān*. Tehran: Intishārāt-i Nigāh, 2004/1382.
- Saif, 'Abd al-Ḥakīm. "al-Awqāf al-'Ilmiyya lil-Mar'ā al-Rasūliyya fī Zubayd(626-/858/1229-1454)". *Ustūr li-Dirāsāt Tāriḫiyya*. no. 4(2016/1394): 57-73.
- Samarqandī, Kamāl al-Dīn 'Abd al-Razzāq. *Maṭla' al-Sa'dayn va Majma' al-Baḥrayn*. ed. 'Abd Ḥusayn Navā'i. Tehran: Ṭahūrī, 1975/1353.
- Sīrāfī, Sulaymān. *Akbār al-Šīn va al-Hind*. translated by Ḥusayn Qachānlū. Tehran: Nashr Asāṭīr, 2003/1381.
- Spuler, Bertold. *Tāriḫ-i Mughūl dar Irān*. translated by Maḥmūd Mīrāftāb. Tehran: Intishārāt-i 'Ilmī va Farhangī, 1998/1376.
- Šuwar al-Aqālim*. ed. Manūchir Sutūdih. Tehran: Bunyād-i Farhang-i Irān, 1975/1353.
- Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr, *Tāriḫ Ṭabarī*. translated by Abū al-Qāsim Pāyandih. Tehran: Nashr Asāṭīr, 1997/1375.
- Vuṣūqī, Muḥammad Bāqir. *Tāriḫ-i Khalij-i Fārs va Mamālik-i Hamjavār*. Tehran: Intishārāt-i Samt, 2012/1390.